

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال هفتم شماره ۲۵ بهار ۱۳۹۱

بررسی رابطه تنظیم شناختی هیجان با فرآیند و محتوای خانواده و شیوه‌های مقابله با تعارض دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز

ایران جلالی^۱

هما رافعی^۲

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه تنظیم شناختی هیجان و شیوه‌های مقابله با تعارض با فرآیند و محتوای خانواده بود. جامعه آماری، دانش‌آموزان شهر شیراز بودند که به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای نمونه‌ای مشتمل بر ۴۰۰ نوجوان ۱۵ تا ۱۷ ساله در این پژوهش مشارکت نمودند. داده‌ها با استفاده از چهار پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ) شیوه‌های مقابله با تعارض (ROCI-II) فرآیند خانواده (SFPS) و محتوای خانواده (SFCS) گردآوری شد و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات روش‌های آماری تحلیل رگرسیون گام به گام و تحلیل مسیر به کار رفت. نتایج پژوهش نشان داد که ۱۲٪ واریانس شیوه مقابله با تعارض همراهانه از طریق ترکیب خطی تصمیم‌گیری و حل مساله و تمرکز مجدد مثبت، ۱۱٪ واریانس شیوه مقابله با تعارض مهربانانه از طریق ترکیب خطی انسجام و احترام متقابل و ارزیابی مثبت، ۲۳٪ واریانس شیوه مقابله با تعارض اجتنابی از طریق ترکیب خطی مهارت مقابله و سرزنش خود و ۳۱٪ واریانس شیوه مقابله با تعارض سلطه‌گرانه از طریق ترکیب خطی مهارت ارتباطی و فاجعه‌آمیز کردن تعیین می‌شود.

واژگان کلیدی: تنظیم شناختی هیجان، تعارض، فرآیند خانواده، محتوای خانواده.

۱- کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت. (نویسنده مسئول)

Email: jalaliiran@yahoo.com

۲- مددکار اجتماعی

مقدمه

خانواده بنیادی‌ترین نهاد هر جامعه است. نقش خانواده، یک نقش کلی است که فرد را تحت تأثیر تنظیمات همه‌جانبه از قبیل بیولوژیکی، شناختی، هیجانی و اجتماعی قرار می‌دهد تا بتواند در آینده به یک بزرگسال تبدیل شود، بنابراین خانواده قادر است با حمایت از فرزندان خود آنها را از عواقب احتمالی که در آینده ممکن است برای آنها به وجود آید، محافظت کرده و با آموزش مهارت‌های مختلف، فرد را برای مقابله با مشکلات احتمالی در آینده تجهیز نماید. در این راستا، سامانی (۲۰۰۸) بیان داشته است که خانواده، نظامی پویاست که با تکیه بر سه جنبه وجودی خویش، یعنی فرآیند خانواده^۱، محتوای خانواده^۲ و بافت اجتماعی خانواده^۳ به حیات خود ادامه دهد. بر اساس مدل فرآیند و محتوای خانواده، این نظام نیز هم چون هر موجود زنده‌ای به گونه‌ای مستمر و مداوم با شرایط و نیازهای جدیدی روبه‌رو می‌شود که حیات وی و سبک زندگی او را به چالش می‌کشد. آن چه در این وادی موجب حفظ تعادل و سازگاری خانواده می‌گردد، مهارت‌ها و کنش‌هایی است که در بعد نخست یعنی فرآیندهای خانوادگی جای می‌گیرند از جمله: سبک تصمیم‌گیری، راهبردهای مقابله، شیوه‌های حل مسأله و... بعد دوم، یعنی محتوا شامل تمام آن چیزهایی است که واقعیات عینی و کاملاً ملموس زندگی اعضای خانواده را شکل می‌دهد و به نوعی، داشته‌ها و نداشته‌های آنها را شامل می‌شود. از این رو، همه مواردی که محتوای تجربه‌های افراد را تعریف می‌کنند مثل سطح تحصیلی، سلامت جسمی و روانی یا منابع مالی بخشی از مواردی هستند که می‌توان در زیرمجموعه محتوای خانواده جای داد. سومین بعد، بافت خانواده نیز به نظام‌هایی بزرگ‌تر اشاره دارد که خانواده را در بر گرفته‌اند و نمونه بسیار کلان آن را می‌توان فرهنگی دانست که خانواده در آن پرورش یافته و زندگی می‌کند (سامانی، ۱۳۸۷). این سه بعد بیان شده پایه و اساس زندگی هر خانواده‌ای به شمار می‌آیند و اعضا، گذشته از واقعیتی که تجربه می‌کنند، بی‌گمان ارزیابی و قضاوتی از خانواده خود در این سه جنبه

1- family process
3- family social context

2- family content

دارند. این موضوع بویژه در مورد نوجوانی که به تازگی به شناخت صوری رسیده و امکان اندیشیدن به احتمالاتی غیر از واقعیت موجود را بدست آورده است، دارای اهمیت است. او اکنون به خوبی قادر است به فضای خانواده و اعضای حاضر در آن بنگرد، محتوای خانواده یا فرآیندهای خانوادگی را سبک و سنگین کند و با آنچه در ذهن آرمانی‌اش شایسته خود می‌پندارد، مقایسه کند. نتیجه این مقایسه به لحاظ تعاملات آتی نوجوان با اعضای خانواده، مهم خواهد بود، از این رو چندان عجیب نیست، اگر شاهد نوجوانی باشیم که از طرز لباس پوشیدن یا وضعیت ظاهری پدر و مادر خویش راضی نیست یا فضای زندگی خویش را چندان نمی‌پسندد و سپس با موجی از نگرانی بنای بی‌احترامی و بدخلقی با والدین خویش را آغاز می‌کند (وانگ^۱، ۲۰۰۸).

از طرفی در بافت اجتماعی خانوادگی، تعقیب و ادراک نوجوان از آن، تا حدودی بسته به آن است که ذهن او بیشتر درگیر کدام لایه از بافت گردیده و چه بخشی از بافت اجتماعی خانواده‌اش را مورد بزرگ‌نمایی قرار داده است. از این رو خانواده قادر است با حمایت از فرزندان خود، آنها را از عواقب احتمالی که در آینده ممکن است برایشان به وجود آید، محافظت کند و با آموزش مهارت‌های مختلف، فرد را برای مقابله با مشکلات احتمالی در آینده تجهیز نماید. در این راستا، از جمله این مهارت‌ها، تنظیم و کنترل شناختی هیجان بوده، که یکی از محصولات رشدی مهمی است که فرد در محیط خانواده کسب می‌کند. به باور گرانفسکی و کرایج^۲ (۲۰۰۶) استراتژی‌های تنظیم شناختی هیجان، کنش‌هایی بوده که نشانگر راه‌های کنار آمدن فرد با شرایط استرس‌زا و یا اتفاقات ناگوار هستند.

از سویی مطابق نظر، کراج و اسپانیهون^۳ (۲۰۰۲) افراد در مواجهه با تجارب و موقعیت‌های استرس‌زا برای حفظ سلامت روانی هیجان خود از راهکارهای شناختی متنوعی استفاده می‌کنند، از جمله رایج‌ترین این راهکارهای شناختی برای تنظیم هیجان در مواجهه با شرایط ناگوار می‌توان به سرزنش خود^۴، سرزنش دیگران^۵، نشخوار فکری^۶،

1- Wong
3- kraaij, Spinhoven
5- Other-blame

2- Granefski, kraaij
4- Self blame
6- rumination

تلقی فاجعه‌آمیز^۱، توسعه چشم‌انداز^۲، تمرکز مجدد مثبت^۳، ارزیابی مجدد مثبت^۴ پذیرش شرایط^۵ و برنامه‌ریزی کردن^۶، اشاره نمود (سامانی و صادقی، ۱۳۸۹).

تنظیم شناختی هیجان^۷ ساز و کارهای خود آگاهی است که فرد برای کنار آمدن با شرایط ناگوار به کار می‌برد، دشواری در تنظیم هیجانات، اغلب به عنوان مولفه‌های اساسی در بسیاری از اختلالات رفتاری مطرح می‌شود. تنظیم شناختی هیجان به عنوان ابزاری برای فهمیدن این مسأله است که چگونه فرد می‌تواند توجه و فعالیت خود را سازمان داده، و اعمال راهبردی و مصرانه را برای غالب آمدن بر موانع و حل کردن مسائل به دست آورد. هر گونه اشکال و نقص در تنظیم هیجانات می‌تواند فرد را در برابر مشکلات هیجانی چون افسردگی، اضطراب و فشار روانی و مشکلات رفتاری و شناختی آسیب‌پذیر سازد (اهرینگ^۸، ۲۰۰۸).

از سوی دیگر، نوجوانی دوره استقلال، بیان عقاید مخالف و کشمکش با والدین است، دوره‌ای که تعارضات نوجوان با والدین افزایش یافته و گاهی دردرساز می‌شود و به دلیل مشاهده برخوردهای منفی، فوری و حتی شدید در هنگام تعارض^۹، مطالعه این فرایند توسط پژوهشگران در اولویت قرار داده شده است. در واقع، تعارض ارتباطی است که نشان‌دهنده منازعه و کشمکش بر سر اهداف ناسازگار بین افراد وابسته به هم می‌باشد (هاکر^{۱۰} و ویلموت^{۱۱}، ۱۹۹۵).

به طور کلی افراد واکنش‌های مختلفی به موقعیت‌های تعارض از خود نشان می‌دهند که شامل پاسخ‌های روانشناختی مانند بی‌توجهی، بی‌علاقگی و... پاسخ‌های فیزیولوژیکی مانند زخم معده، مشکلات تنفسی و... و پاسخ‌های رفتاری مانند پرخاشگری و خرابکاری (دایاس، بولر و دی^{۱۲}، ۱۹۹۹). علی‌رغم وجود چنین مشکلاتی، تعارض بخش اجتناب‌ناپذیر

1- cata trophizing

3- Positive refocusing

5- acceptance

7- Cognitive emotion regulation

9- conflict

11- Wilmot

2- Putting in to perspective

4- Positive reappraisal

6- Planning

8- Ehrling

10- Hocker

12- Dayas, Buller, Day

روابط است و از طرف دیگر تعارض می‌تواند به صورت مثبت هم، به کیفیت روابط و هم بر رشد اضافه نماید. حل موثر تعارض و مدیریت آن از طریق مهارت‌های حل مساله، تصمیم‌گیری صحیح و ارتباط متقابل و شیوه‌های مقابله‌ای مناسب امکان‌پذیر است (رحیم^۱، ۱۹۸۶، نقل از سکیگوچی^۲، ۱۹۹۹).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مدیریت تعارض به کیفیت روابط بین افراد، رضایت موجود در این روابط و اسنادی که در مورد طرف مقابل بکار برده می‌شود، وابسته است (داملا^۳، بوتتا^۴، ۲۰۰۰). سبک‌های تعارضی هم‌چنین پیش‌بینی‌کننده برخی از رفتارهایی هستند که در تعارضات ظاهر می‌شوند (کنراد^۵، ۱۹۹۱). بامیرند^۶ (۱۹۹۹) و بیگنر^۷ (۱۹۹۴) در مطالعات خود ابراز داشتند که رابطه والد-فرزند در شکل‌گیری اختلالاتی از قبیل اضطراب هویت و اختلالات سازگاری نقش دارد. بررسی‌های پترسون^۸ (۱۹۸۲) نشان داد که تداوم پرخاشگری به عنوان یکی از مشکلات هیجانی در نوجوانان، ناشی از تعامل نادرست والدین‌شان با آنهاست.

بنابراین به نظر می‌رسد سبک‌های تعارض به شناخت افراد در محیطی که تعارض رخ می‌دهد، وابسته است. نوجوان نیز در محیط خانواده در طول زمان شیوه خاصی را برای ابراز تعارضات خود انتخاب می‌کند که نحوه تعامل بین اعضای خانواده و راهکارهای تنظیم شناختی هیجان که بکار می‌برند، می‌تواند بر این شیوه‌های حل تعارض اثرگذار باشد.

بنابراین بررسی چگونگی ارتباط بین فرآیند و محتوای خانواده و سبک‌های تعارض می‌تواند ما را در فهم این که چگونه رویکرد تعارضی در طی روابط نزدیک خانوادگی ساخته می‌شود یاری دهد. این پژوهش سعی کرده است به بررسی مدل مفروض نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در ارتباط با فرآیند و محتوای خانواده و شیوه‌های با تعارض نوجوانان بپردازد.

1- Rahim
3- Dumlao
5- Conrad
7- Bigner

2- Sekiguchi
4- Botta
6- Boumrind
8- Peterson

روش

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز بود که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ مشغول به تحصیل بودند از این تعداد، نمونه‌ای شامل ۴۰۰ دانش‌آموز (۲۴۰ دختر و ۱۶۰ پسر) به روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند؛ با حضور در مدارس و هماهنگی با مدیر و معلمان، پرسشنامه‌های فرآیند و محتوای خانواده، شیوه‌های مقابله با تعارض و تنظیم شناختی هیجان در اختیار هر یک از دانش‌آموزان قرار داده شد. با حضور در محل پاسخگویی دانش‌آموزان به آن‌ها توضیح داده شد تا عبارت‌های هر پرسشنامه را به دقت خوانده و گزینه مورد نظر را انتخاب کنند و هیچ‌کدام از عبارت‌ها را بدون پاسخ نگذارند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS16 با استفاده از رگرسیون همزمان و سلسله‌مراتبی صورت گرفت. درصد فراوانی افراد نمونه برحسب جنسیت و ویژگی‌های ایشان از نظر ناحیه تحصیلی در جداول زیر بیان شده است.

جدول شماره (۱) درصد فراوانی افراد نمونه بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
دختر	۲۴۰	۶۰
پسر	۱۶۰	۴۰
کل	۴۰۰	۱۰۰

جدول شماره (۲) ویژگی‌های افراد نمونه از نظر ناحیه تحصیلی

ناحیه تحصیلی	فراوانی	درصد
ناحیه ۲	۲۰۰	۵۰
ناحیه ۴	۲۰۰	۵۰
کل	۴۰۰	۱۰۰

ابزار پژوهش

مقیاس نسخه دوم شیوه مقابله با تعارض^۱ (*ROCI-II*): این مقیاس یک ابزار خود گزارش‌دهی^۲ است که توسط رحیم (۱۳۸۲) تهیه شده و برای اندازه‌گیری میزان تضاد و تعارض ارتباطی به کار می‌رود. شامل ۲۸ ماده و متشکل از ۵ زیرمقیاس است. هر زیرمقیاس، شیوه حل تعارض خاصی را نشان می‌دهد و کسب بیشترین نمره در هر کدام از زیرمقیاس‌ها نشان‌دهنده استفاده از همان شیوه حل تعارض توسط فرد است. زیرمقیاس‌های این آزمون عبارتند از: شیوه همراهانه^۳ (۷ ماده) که نشان‌دهنده تبادل اطلاعات و بررسی اختلاف‌ها برای رسیدن به راه‌حل قابل قبول برای طرفین است. این زیرمقیاس با شیوه حل مساله در ارتباط است و می‌تواند به راه‌حل خلاقانه در حل مساله منجر شود؛ شیوه مهربانانه^۴ (۶ ماده) که بیانگر تلاش برای کاهش اختلافات است و برای برآورده کردن انتظارات و مسائل دیگران بر تشابهات تأکید می‌کند. فردی که از این روش استفاده می‌کند، برای برآورده کردن نیاز و مسائل دیگران، مسائل خود را نادیده می‌گیرد. شیوه سلطه‌گرانه^۵ (۵ ماده) که با جهت‌گیری تهدیدآمیز شخص می‌شود. شخصی که از این شیوه استفاده می‌کند برای رسیدن به هدف خود اقدام به هر کاری کرده و نیازها و انتظارات دیگران را نادیده می‌گیرد، شیوه مصالحه‌گرانه^۶ (۴ ماده) که در نقطه میانی توجه به انتظارات و نیازهای خود و دیگران قرار دارد و به تقسیم امتیاز بین طرفین اشاره دارد، شیوه اجتنابی^۷ (۶ ماده): این شیوه با موقعیت‌های انزوا، اعطای مسئولیت به دیگران، دیگران را مقصر دانستن و خود را کنار کشیدن در ارتباط است. شخصی که از این شیوه استفاده می‌کند از برآورده کردن انتظارات خود و دیگران ناتوان است (باباپور، ۱۳۸۱).

این پرسشنامه در پژوهش‌های گذشته از اعتبار^۸ (آلفا بین ۰/۵۰ تا ۰/۹۵) و پایایی از نوع بازآزمایی (۰/۸۳ تا ۰/۹۰) مناسب برخوردار بوده است (داملا و بوتاه، ۲۰۰۰). در ایران نیز

1- Rahim organization conflict inventory-II	2- self-report
3- obliging	4- intergrating
5- Dominating	6- accommodating
7- avoiding	8- Reliability

پایایی این مقیاس در پژوهش‌های مختلف از ۰/۷۲ تا ۰/۸۳ گزارش شده است و پایایی از نوع بازآزمایی از ۰/۶۲ تا ۰/۸۳ محاسبه شده و قابل قبول بودن آن به تأیید رسیده است (باباپور، ۱۳۸۱). در پژوهش حاضر نیز پایایی درونی آن با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳ به دست آمده است.

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان^۱ (*CERQ*): پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان یکی از معتبرترین ابزارهای ارزیابی استراتژی‌های گوناگون شناختی است که توسط گرانیسکی و همکاران (۲۰۰۲) ساخته شده است. این پرسشنامه به ویژه برای بررسی فرایندهای شناختی که افراد بعد از تجربه کردن حوادث منفی زندگی تمایل دارند به کار گیرند، ساخته شده است. پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان، یک پرسشنامه ۳۶ مولفه‌ای خودسنجی، با شکل ۵ امتیازی بر مبنای مقیاس لیکرت است. گرانیسکی و همکارانش (۲۰۰۲)، نه خرده‌مقیاس را در این پرسشنامه معرفی کردند. این راهبردها به دو دسته راهبردهای سازگارانه و کمتر سازگارانه گروه‌بندی می‌شوند. راهبردهای سازگارانه عبارتند از: پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز بر طرح و نقشه، ارزیابی مجدد مثبت، تحت نظر قرار دادن؛ در حالی که راهبردهای کمتر سازگارانه عبارتند از سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوار فکری، فاجعه‌آمیز کردن (جرمن و لیندن^۲، ۲۰۰۶). هر یک از این خرده مقیاس‌ها بدین ترتیب تعریف شده‌اند؛ پذیرش: داشتن افکاری از تسلیم در مقابل چیزی که تجربه می‌شود، تمرکز مجدد بر طرح و نقشه؛ داشتن افکار خوشایند درباره اینکه چه کاری انجام شود و چگونه از تجربیات قبلی استفاده شود؛ تمرکز مجدد مثبت و ارزیابی مجدد مثبت: داشتن افکاری با این هدف که به حوادث منفی زندگی در قالب رشد شخصیتی معنای مثبت می‌دهد؛ تحت نظر قرار دادن: داشتن افکاری که به صورت نسبی حوادث منفی را در مقایسه با دیگر حوادث قرار می‌دهد؛ سرزنش خود: داشتن افکار که فرد خود را به خاطر چیزی که تجربه کرده است متهم می‌کند؛ نشخوار فکری: داشتن افکاری درباره احساسات و افکاری که با حوادث منفی زندگی تداعی می‌شود، سرزنش

1- Cognitive Emotion Regulation Questionnaire

2- German & Linden

دیگران: داشتن افکاری که فرد در آن، دیگران را برای چیزی که تجربه کرده است متهم می‌کند و فاجعه‌آمیز کردن: داشتن افکاری که بیشتر بر جنبه منفی تجارب تأکید می‌کند.

این پرسشنامه توسط سامانی و صادقی (۱۳۸۹) ترجمه شده است و روایی آن به شیوه تحلیل عاملی به وسیله ایشان در قالب هفت عامل (پذیرش، سرزنش خود، سرزنش دیگران، فاجعه‌آمیز کردن، نشخوار فکری، ارزیابی مجدد بر مثبت و تمرکز مجدد مثبت) برای تنظیم شناختی هیجان گزارش شده است. کفایت روانسنجی برای این مقیاس بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به این شرح گزارش شده است: تمرکز مجدد مثبت (۰/۷۵)، ارزیابی مجدد مثبت (۰/۶۵)، سرزنش دیگران (۰/۸۶)، سرزنش خود (۰/۸۳)، نشخوار فکری (۰/۷۵)، فاجعه‌آمیز کردن (۰/۷۳)، پذیرش (۰/۶۶)، در پژوهش حاضر نیز پایایی درونی آن، با استفاده از آلفای کرونباخ به این شرح بدست آمده است: تمرکز مجدد مثبت (۰/۷۴)، ارزیابی مجدد مثبت (۰/۶۸) سرزنش دیگران (۰/۸۸)، سرزنش خود (۰/۸۵)، نشخوار فکری (۰/۸۰) فاجعه‌آمیز کردن (۰/۷۸) و پذیرش (۰/۷۲).

مقیاس خودگزارشی فرآیند خانواده^۱ (SFPS): مقیاس فرآیند خانواده که حاوی ۴۳ پرسش مدرج ۵ نمره‌ای به شیوه لیکرت بوده و توسط سامانی (۱۳۸۷) جهت اندازه‌گیری بعد فرایند طراحی گردیده است. این مقیاس حاوی پنج خرده‌مقیاس تصمیم‌گیری و حل مسأله، مهارت مقابله، انسجام و احترام متقابل، مهارت‌های ارتباطی و باورهای مذهبی است. جهت بررسی روایی و پایایی این مقیاس از ضریب آلفا، روایی همگرا، و واگرا و شیوه بازآزمایی استفاده شده که بنابر گزارش سامانی (۱۳۸۷) نتایج آن گویای کفایت مقیاس مورد نظر است. میزان ضریب پایایی بدست آمده در این پژوهش و از روش ضریب آلفای کرونباخ برای مولفه‌های فرایند خانواده بدین شرح است: تصمیم‌گیری و حل مسأله (۰/۸۹)، مهارت مقابله (۰/۸۱)، انسجام و احترام متقابل (۰/۹۱)، مهارت‌های ارتباطی (۰/۵۳)، و باورهای مذهبی (۰/۸۵).

مقیاس خودگزارشی محتوای خانواده^۲ (SFCS): مقیاس محتوای خانواده دارای ۳۸

1- Self- report Family Process Scale

2- Self – report family content scale

پرسش است و به وسیله سامانی (۱۳۸۷) جهت اندازه‌گیری بعد محتوای خانواده طراحی گردیده است که متشکل از هفت خرده‌مقیاس شغل و تحصیلات، زمان برای با هم بودن، منابع مالی، ظاهر بدنی و منزلت اجتماعی و سلامت جسمی و روانی، فضای زندگی و تسهیلات تحصیلی می‌باشد. این ابزار از روی طیف لیکرتی از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. نتایج گزارش شده (سامانی، ۱۳۸۷) حاکی از روایی و پایایی مناسب این ابزار است. میزان ضریب پایایی به دست آمده در پژوهش حاضر از روش ضریب آلفای کرونباخ برای مولفه‌های محتوای خانواده بدین شرح است شغل و تحصیلات (۰/۸۱)، زمان با هم بودن (۰/۸۰)، منابع مالی (۰/۷۸)، ظاهر بدنی (۰/۷۹)، سلامت جسمی و روانی (۰/۷۰)، فضای زندگی (۰/۷۶) تسهیلات تحصیلی (۰/۷۵).

یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد نظر پژوهش (میانگین و انحراف معیار). در جداول ۳ تا ۶ ارائه شده است. پژوهش حاضر به منظور تبیین شیوه‌های مقابله با تعارض از طریق عوامل تنظیم شناختی و فرآیند و محتوای خانواده از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. در این روش، متغیرهای پیش‌بین که سهم معناداری در افزایش دقت پیش‌بینی متغیر ملاک نداشتند، از معادله خارج شدند. به منظور ارائه تصویری روشن‌تر از یافته‌های پژوهش، در جداول شماره ۳ تا ۶ یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش به تفکیک آورده شده است.

جدول شماره (۳) میانگین و انحراف معیار مقیاس‌های شیوه حل تعارض

مؤلفه‌ها	شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار
همراهانه		۳/۸۱	۰/۵۱
مهربانانه		۳/۳۲	۰/۵۶
سلطه‌گرانه		۳/۵۱	۰/۶۵
اجتنابی		۳/۱۳	۰/۷۱
مصالحه‌گرانه		۳/۷۳	۰/۵۲

جدول شماره (۴) میانگین انحراف معیار مقیاس‌های تنظیم شناختی

مؤلفه‌ها	شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار
تمرکز مجدد مثبت		۳۰	۷/۵
ارزیابی مثبت		۱۸	۵/۴
سرزنش دیگران		۱۰	۴/۸
سرزنش خود		۱۳	۳/۲۵
نشخوار فکری		۱۳/۵	۳/۷
فاجعه آمیز کردن		۱۲	۴/۴
پذیرش		۱۲/۵	۳/۹

جدول شماره (۵) میانگین و انحراف معیار مقیاس‌های فرآیند خانواده

مؤلفه‌ها	شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار
تصمیم‌گیری و حل مسأله		۳/۸۸	۰/۸۱
مهارت مقابله		۳/۷۱	۰/۵۸
انسجام و احترام		۴/۰۷	۰/۷۹
مهارت ارتباطی		۳/۴۹	۰/۶۶
باور مذهبی		۳/۷۲	۰/۸۰

جدول شماره (۶) میانگین و انحراف معیار مقیاس‌های محتوای خانواده

مؤلفه‌ها	شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار
شغل و تحصیلات		۳/۵۸	۰/۷۸
زمان با هم بودن		۳/۷۷	۰/۸۶
منابع مالی		۳/۵۰	۰/۹۵
ظاهر بدنی		۳/۷۴	۰/۷۸
سلامت جسمی و روانی		۴/۱۲	۰/۷۷
فضای زندگی		۳/۵۰	۱/۱۸
تسهیلات تحصیلی		۳/۴۲	۰/۹۹

جدول شماره (۷) رگرسیون گام به گام شیوه حل تعارض همراهانه وی مولفه‌های تنظیم شناختی و فرآیند و محتوای خانواده

متغیرها	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	B	بتا	P
تصمیم‌گیری و حل مساله	.۲۵۱	.۱۲۱	.۵۰۱	.۲۰۶	.۰۰۰۱
تمرکز مجدد مثبت			.۲۰۳	.۱۰۱	.۰۰۰۱

نتایج جدول ۷ نشان‌دهنده توانایی پیش‌بینی‌کنندگی بیشتر تصمیم‌گیری و حل مساله و تمرکز مجدد مثبت از بین عوامل مؤثر بر شیوه حل تعارض همراهانه دانش‌آموزان است. در واقع، تصمیم‌گیری و حل مساله و تمرکز مجدد مثبت ۱۲٪ واریانس مشترک این شیوه حل تعارض را تبیین می‌کند.

جدول شماره (۸) رگرسیون گام به گام شیوه حل تعارض مهربانانه روی مولفه‌های تنظیم شناختی و فرآیند و محتوای خانواده

متغیرها	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	B	بتا	P
انسجام و احترام متقابل	.۲۳۴	.۱۱۵	.۳۲۱	.۱۳۶	.۰۰۰۱
ارزیابی مثبت			.۴۲۷	.۲۲۳	.۰۰۰۱

نتایج جدول ۸ نشان‌دهنده توانایی پیش‌بینی‌کنندگی بیشتر انسجام و احترام متقابل و ارزیابی مثبت از بین عوامل مؤثر بر شیوه حل تعارض مهربانانه دانش‌آموزان است. در واقع، انسجام و احترام متقابل و ارزیابی مثبت ۱۱٪ واریانس مشترک این شیوه حل تعارض را تبیین می‌کند.

جدول شماره (۹) رگرسیون گام به گام شیوه حل تعارض اجتنابی روی مولفه‌های تنظیم شناختی و فرآیند و محتوای خانواده

متغیرها	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	B	بتا	P
مهارت مقابله	.۴۶۸	.۲۳۶	.۲۷۱	.۱۲۳	.۰۰۰۱
سرزنش خود			.۲۱۲	.۱۰۲	.۰۰۰۱

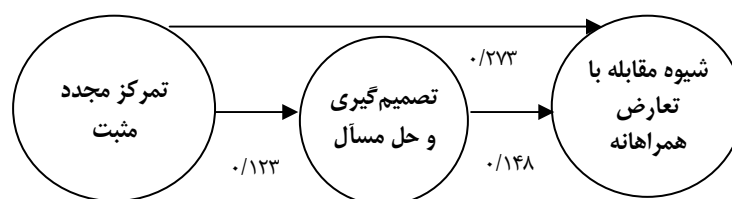
نتایج جدول ۹ نشان‌دهنده توانایی پیش‌بینی‌کنندگی مهارت مقابله و سرزنش خود از بین عوامل موثر بر شیوه حل تعارض اجتنابی دانش‌آموزان است. در واقع مهارت مقابله و سرزنش خود ۲۳٪ واریانس مشترک این شیوه حل تعارض را تبیین می‌کند.

جدول شماره (۱۰) رگرسیون گام به گام شیوه حل تعارض سلطه‌گرانه روی مولفه‌های تنظیم شناختی و فرآیند و محتوای خانواده

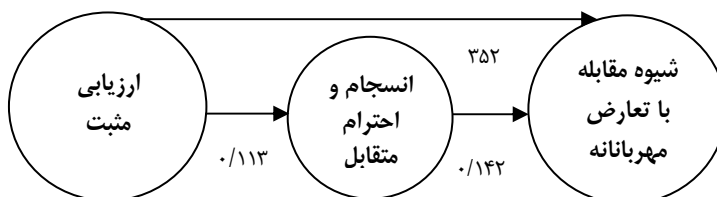
متغیرها	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	B	بتا	P
مهارت ارتباطی	.۶۲۱	.۳۱۲	.۱۲۱	.۶۰	.۰۰۰۱
فاجعه‌آمیز کردن			.۱۰۷	.۵۹	.۰۰۰۱

نتایج جدول ۱۰ نشان‌دهنده توانایی پیش‌بینی‌کنندگی مهارت ارتباطی و فاجعه‌آمیز کردن از بین عوامل موثر بر شیوه حل تعارض سلطه‌گرانه دانش‌آموزان است. در واقع مهارت ارتباطی و فاجعه‌آمیز کردن ۳۱٪ واریانس مشترک این شیوه حل تعارض را تبیین می‌کند.

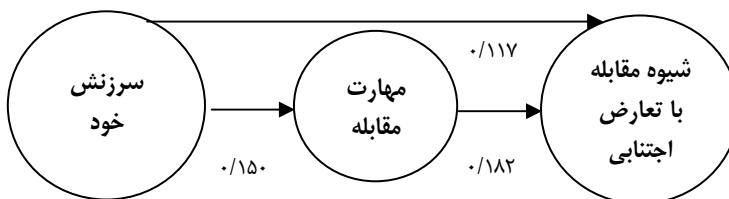
به منظور بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مربوط به فرآیند و محتوای خانواده و تنظیم شناختی بر شیوه‌های حل تعارض از تحلیل مسیر استفاده شد. این مدل‌ها (اشکال ۱ تا ۴) نشان از تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هر یک از عوامل بررسی شده بر نوع خاصی از شیوه حل تعارض دارد.



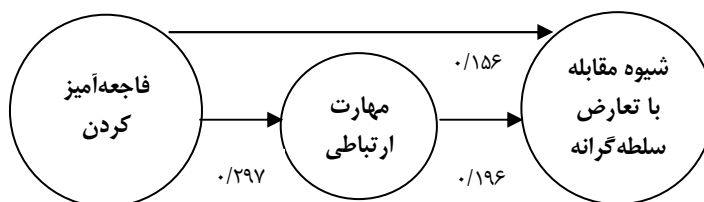
شکل شماره (۱) تحلیل مسیر عوامل موثر بر شیوه مقابله با تعارض همراهانه



شکل شماره (۲) تحلیل مسیر عوامل موثر بر شیوه مقابله با تعارض مهربانانه



شکل شماره (۳) تحلیل مسیر عوامل موثر بر شیوه مقابله با تعارض اجتنابی



شکل شماره (۴) تحلیل مسیر عوامل موثر بر شیوه مقابله با تعارض سلطه‌گرانه

بحث و نتیجه گیری

پژوهش کنونی نشان داد، روشی که نوجوانان شیوه‌های مقابله با تعارض خودشان را تنظیم می‌کنند با فرآیند خانواده و تنظیم شناختی هیجان آنان مرتبط است. براساس فرآیند خانواده هنگامی که فرد از فرآیند خانوادگی خویش سخن می‌گوید، به کنش‌ها و مهارت‌های اشاره دارد که خانواده را در رویارویی با شرایط و نیازهای جدید یاری داده و موجب برقراری تعادل و انطباق دوباره آنان می‌گردد. نقش جدی این فرآیند خانواده بیش از این، در رابطه با میزان خود گسستگی نوجوانان (صادق‌زاده، ۱۳۸۵)، جهت‌گیری‌های هدف (زارع و سامانی، ۲۰۰۸)، ادراک آن‌ها از کیفیت زندگی (رحیمی و سامانی، ۲۰۰۸) نوع الگوهایی ارتباطی به کار می‌گیرند (بهبهانی، ۱۳۸۸) مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین، سمتانا (۱۹۹۵) دریافت که قدرت والدین و شیوه‌های فرزندپروری در میزان شدت تعارض والد نوجوان موثر است.

شیوه حل تعارض همراهانه نشان‌دهنده تبادل اطلاعات و بررسی اختلاف برای رسیدن به راه حل قابل قبول برای طرفین است. این شیوه حل تعارض با شیوه حل مسأله در ارتباط است و می‌تواند به راه حل خلاقانه در حل مسأله منجر شود. بنابراین این شیوه حل تعارض با تفکر واگرا و خلاقیت رابطه دارد. این تحلیل نیز منطقی است که افراد دارای تحصیلات، معقولانه‌تر به تصمیم‌گیری و حل مسأله می‌پردازند و این دو در یک راستا می‌توانند بر تمرکز مجدد مثبت/ برنامه‌ریزی صحیح تأثیر گذارند و به حوادث منفی زندگی مثل ناسازگاری‌ها در قالب رشد شخصیتی معنای مثبت دهند و تعارضات خود را به شیوه همراهانه که راه‌حل قابل قبول برای طرفین را به ارمغان می‌آورد حل کنند (هارینگوپال، ۱۹۹۵). در رابطه با شیوه حل تعارض مهربانانه نظریه تداخل راهبردی معتقد است هیجان‌ها مکانیزم‌های روانشناختی هستند که با تعارض در ارتباط می‌باشند و افراد بر اساس میزان هیجان‌پذیری خود متفاوت از هم عمل می‌کنند (باباپور، ۱۳۸۵). این تبیین هم می‌تواند صورت گیرد که نوجوانی که در خانواده از مهارت‌های ارتباطی خوبی را در کنار انسجام و احترام آموخته است، ارزیابی مثبت و دیدی وسیع‌تر به جنبه‌های

مختلف موضوع ناسازگارانه ایجاد شده دارد و از این رو با اعتمادی که به خانواده خود دارد و این را از پس آموزش‌های آنها به دست آورده است، شیوه حل تعارض مهربانانه را انتخاب کرده و از انتظارات خود کنار کشیده و نظر والدین را می‌پذیرد.

کسی از شیوه حل تعارض اجتنابی استفاده می‌کند، جرات‌ورز نیست و به خاطر اعمال گذشته احساس گناه می‌کند، خصلت مکارانه ندارد و سعی می‌کند از طریق رویگردانی و یا به تعویق انداختن حل تعارض از آن اجتناب کند. در واقع اجتناب زمانی به عنوان یک جانشین رفتاری توسط فرد مورد استفاده قرار می‌گیرد که وی کنترل و توان رو در رو شدن با موقعیت را بسیار مشکل می‌پندارد و به خاطر فقدان قدرت و اعتماد به نفس برای مقابله با موقعیت از خود مطمئن نیست، ترس از تنبیه و شکست در فرد بالاست، اهمیتی به رابطه با دیگران نمی‌دهد و رگه‌هایی از شخصیت انزواطلب در وی وجود دارد، چنین تصور می‌کند که دیگران بهتر از او مشکلات را حل می‌کنند و بنابراین از کانون کنترل درونی برخوردار نیست (باباپور، ۱۳۸۵). بنابراین این افراد مهارت مقابله‌ای مناسب را ندارند، از این رو در ناسازگاری‌ها خود را متهم می‌دانند، پس از شیوه حل تعارض اجتنابی که خود را کنار کشیدن و اعطای مسئولیت را به دیگران دادن است استفاده می‌کنند.

شیوه حل تعارض سلطه‌گرانه را کسی انتخاب می‌کند که نیازها و انتظارات دیگران را نادیده می‌گیرد (رحیم، ۱۹۹۸). این تبیین چندان دور از ذهن نیست که شخص مهارت ارتباطی لازم را که دلیل اصلی پرخاشگری و سرزنش دیگران است را کسب نکرده، بنابراین شیوه حل تعارض سلطه‌گرانه را انتخاب و بی‌توجه به انتظارات و نیازهای دیگران سعی در حل تعارض ایجاد شده را دارد.

پیشنهادها

به طور کلی این پژوهش نشان از آن دارد که فرایند خانواده نقش اساسی در انتخاب شیوه‌های حل تعارض نوجوان ایفا می‌کند. مولفه‌های فرایند و محتوای خانواده اگر فراهم باشد، فرزند نوجوان را متقاعد می‌سازد که والدینش به تجربه‌های شخصی وی، درک او

از پدیده‌های گوناگون و احساس کنترل او آگاه‌اند و همین احساس بودن و فهمیده شدن در جمع است که نوجوان را به واکنش‌های خودتنظیمی قدرتمندی مجهز ساخته و حس کنترل در مورد خود و امور مربوط به خود را به وی هدیه می‌دهد (وانگ، ۲۰۰۸)، همه موارد بیان شده بر مولفه‌های به دست آمده در پژوهش تأکید دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش برگزاری دوره‌های آموزش مهارت‌های زندگی، شیوه‌های حل کارآمد تعارض و روش‌های مناسب خود تنظیمی به دانش‌آموزان از طریق مراکز مشاوره مدارس کشور می‌تواند در پیشگیری و درمان این مشکلات شایع و همه‌گیر موثر واقع شود.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۵/۰۷

References

منابع

- باباپور خیرالدین، جلیل (۱۳۸۱). بررسی رابطه کیفیت حل مساله اجتماعی، شیوه‌های حل تعارض و ویژگی‌های روانشناختی دانشجویان، رساله دکتری ارشد روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- بهبهانی، مینا (۱۳۸۵). بررسی الگوهای ارتباطی در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- سامانی سیامک (۱۳۸۷). بررسی روایی و پایایی مقیاس فرایند خانواده، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۴، ۲.
- سامانی، سیامک؛ صادقی، لادن (۱۳۸۹). بررسی کفایت شاخص‌های روانسنجی پرسشنامه، تنظیم شناختی هیجان، مجله روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، ۱، ۵۱-۶۲.
- صادق‌زاده، مرضیه (۱۳۸۸). بررسی خودگسستگی نوجوانان بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- Baumrind, D. (1991). The Influence of Parenting Atyles on Adolescent Competence and Substance Use *Journal of Early Adolescence*, 11 (1) 56-95.
- Bigner, J. (1994). *Perspectives on the Parenting Process: Family Systems Theory in Parent Child Relations*, (4 Ed). New Rock: MacMillan Publishing Co.
- Conrad, C. (1991). Communication in Conflict Style Strategy Relationships, *Communication Monographs*, 58, 135-155.
- Daysas, C.V., Buller, K.M., Day T, A (1999). Neuroendocrine Responses to Emotional Stressors: Evidence for Involvement of the Medical but not the Central Amygdale, *European Journal of Neuro Science*, 11: 2312-2322.
- Dumla, R., Botta, R. (2000). *Family Communication Pattern and the Conflict Style Young Adults Use their Father*, 12:24:56.
- Ehing, T. Fischer, S. Schnulle, J. Bosterling, A. (2008). Characteristics Depressed in Dividral, *Personality & Individual Differences*, 44, 1574-1584.

-
- Garnefski, N. & Kraaij, V. (2006). Relationships between Cognitive Emotional Regulation Strategies & Depressive Symptoms a Comparative Study of Five Specific Samples Lersonality & in Dividable Differences, 40, 1559-1669.
- Garnefski, N. & Kraaij, V. Spinhoven, P. (2002). *CERQ: Manual for The Use of The Cognitive Emotion Regulation Questionnaire Dates*, Leiderdrop, The Netherlands.
- Hocker, D., Wilmot, R., (1995). *Managing Conflict*.
- Harigopal, K. (1995). *Conflict Management* (Managing Interpersonal Conflict), Oxford and I BH publishing co. pvt Ltd.
- German, F. Linden, M. (2006). Cognitive Emotional Regulation Questionnaire, *European Journal of Psychdlogical Assessment*, 22, 126-131.
- Peterson, E. (1982). Parental Styles of Talking about the Past, *Journal of Developmental Psycho's*, Vol, 29- 3 596-606
- Rahim, M.A. (1986). Managing Conflict in Organization, *Journal of Social Psychology*, 196: 79-86.
- Rahimi, M. & Samani, S.(2008).The Relationship between Family Process and Quality of Life. *Paper Presented at XXIX International Congress of Psychology*, Berlin, Germany, 20-25.
- Samani, S. (2008). Family Process and Content Model a Theoretical Model for Family, *Symposium Presented at XXIX International Congress of Psychology*, Berlin, Germany 20-25.
- Smetana, J. (1995). Parenting Styles and Conceptions of Parental Authority during Adolescence, *Child Development*, 66, 299-316.
- Sekiguchi, T. (1999). Conflict Management Strategies and Family Business, *Outcomes in Family Business*, 132: 34:54.
- Wong, M.M. (2008). Perceptions of Parental Involvement and Antonomy Support: Their Relations with Self-regulation, Academic Performance, Substance Use and Resilience among Adolescents, *North American Journal of Psychology*, 10 (3), 497-518.
- Zare, M. & Samani, S. (2008). The Relationship between Family Flexibility and Cohesion with Child Goal Orientation, *Paper Presented at XXIX International Congress of Psychology*, Berlin, Germany, 20-25.
-